

# دلالت‌های وضعیت منابع و مصارف ارزی کشور بر امنیت اقتصادی

الناز باقرپور اسکویی<sup>۱</sup>

## چکیده

در اقتصاد ایران وضعیت کنونی بازار ارز به گونه‌ای است که در طرف عرضه بازار، عوامل بنیادی مستقیم و غیرمستقیم (صادرات متنوع کالاهای فناورانه و کالاهای با ارزش افزوده بالا) تعیین کننده این بازار چندان فعال نیستند درحالی که تحقق بازار عمیق ارز مستلزم حضور عوامل بنیادی و مشارکت آن‌ها در تعیین قیمت در این بازار است. غیبت عوامل بنیادی یادشده بدین معنی است که نرخ‌های ارزی که در سال‌های گذشته در اقتصاد شکل گرفته‌اند، نرخ‌های علامت‌دهنده صحیح نبوده‌اند. در طرف تقاضای ارز نیز تقاضا برای واردات، چه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و چه کالاهای مصرفی و چه خدمات مسافرتی، تا اندازه زیادی بی‌کشش است. از این رو اقداماتی در زمینه اولویت‌بندی تخصیص ارز به کالاهای وارداتی، جلوگیری از خروج سرمایه از کشور، استقلال نرخ ارز از بودجه، اهتمام به تولید داخلی، الزام به برگشت ارز تمام صادرکنندگان خرد و کلان بر اساس سند مقصد صادرات، انتقال جریان ارزی شرکت‌های تراستی به بانک مرکزی و تدوین و اجرای راهبردهای تجاری پیشنهاد می‌شود.

**واژگان کلیدی:** منابع ارزی، مصارف ارزی، نوسانات نرخ ارز، تولید، تحریم.

## مقدمه

واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای، واسطه‌ای، واردات خدمات مسافرتی، حمل‌ونقل و خروج سرمایه عواملی هستند که با تغییر آن‌ها از کانال نرخ ارز، نوسانات نرخ ارز را موجب می‌شوند. از سوی دیگر، ارزیابی بازار ارز در ایران دلالت بر این دارد که نوسان‌های نرخ ارز تحت تأثیر سیاست‌های داخلی و نیز رویدادهای سیاسی از جمله تحریم‌های بین‌المللی است. بنابراین، نوسانات نرخ ارز از سوی به‌طور مستقیم به تأثیر تحریم‌های مالی و تجاری و سیاست‌های داخلی در اقتصاد ایران بستگی دارد و از سوی دیگر، تغییرات تقاضای ارز در اثر تحولات و

بررسی تحلیلی وضعیت ساختار بازار ارز در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که نوسانات موجود در این بازار و به‌طور کلی عملکرد اقتصاد، تحت تأثیر چگونگی کارکرد و مدیریت طرف‌های بازار ارز یعنی عرضه و تقاضای آن است؛ به‌طوری که بخش عمده‌ای از طرف عرضه ارز (منابع ارزی) را درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، گاز و میعانات گازی تشکیل می‌دهد، اما طرف تقاضای ارز (مصارف ارزی) در مقایسه با عرضه آن، از تنوع بیشتری برخوردار بوده و از اجزای مختلفی تشکیل شده است. تغییر در

نوسانات شدیدی بود؛ به طوری که نرخ غیررسمی ارز که در اسفند سال 1390 معادل 1350 تومان بود، در پایان اسفند سال 1391، بالغ بر 92 درصد افزایش یافت و به 2600 تومان رسید. از سالهای 1392 تا 1396، بازار ارز با مذاکرات و موضوع اجرای برجام با ثبات نسبی روبه‌رو بود و نرخ ارز تغییرات چندانی نداشت. در بهار سال 1397، بازار ارز در پی خروج آمریکا از برجام و فشار تحریم‌ها و کمبود درآمدهای ارزی دچار نوسانات شدید و التهاباتی شد؛ به گونه‌ای که قیمت دلار در ایران از 5800 تومان نیز فراتر رفت و در نیمه تیر سال 1397، هر دلار قریب 9000 تومان دادوستد شد. این قیمت در اوایل مرداد 1397، به 12000 تومان، در اواسط شهریور به 14000 تومان و در اوایل مهر همین سال به 20000 تومان رسید و شاهد افزایش شایان توجه نرخ ارز در این سال بودیم. در سالهای 1399 و 1401 نیز به دلیل ناکارایی سیاست‌های اتخاذی و بی‌ثباتی‌های سیاسی داخلی و خارجی این نرخ با سرعت زیادی افزایش یافت.

تحقق بازار عمیق ارز مستلزم حضور عوامل بنیادی و مشارکت این عوامل در تعیین قیمت در این بازار است. غیبت عوامل بنیادی یادشده بدین معنی است که نرخ‌های ارزی که در سال‌های گذشته در اقتصاد شکل گرفته‌اند، نرخ‌های علامت‌دهنده صحیح نبوده‌اند.

اتفاقات مختلفی که در بخش‌های دیگر اقتصاد رخ می‌دهد، موجب شده است تا نرخ ارز نیز دچار تغییرات متفاوت شود.

در این باره پرسش‌هایی از جمله موارد زیر مطرح است که ضرورت دارد به آن‌ها پرداخته شود.

- مهم‌ترین عواملی بی‌ثباتی بازار ارز کدام‌اند؟  
- برای مدیریت بهتر منابع و مصارف ارزی، دولت و بانک مرکزی چه اقداماتی را باید در دستور کار قرار دهند؟

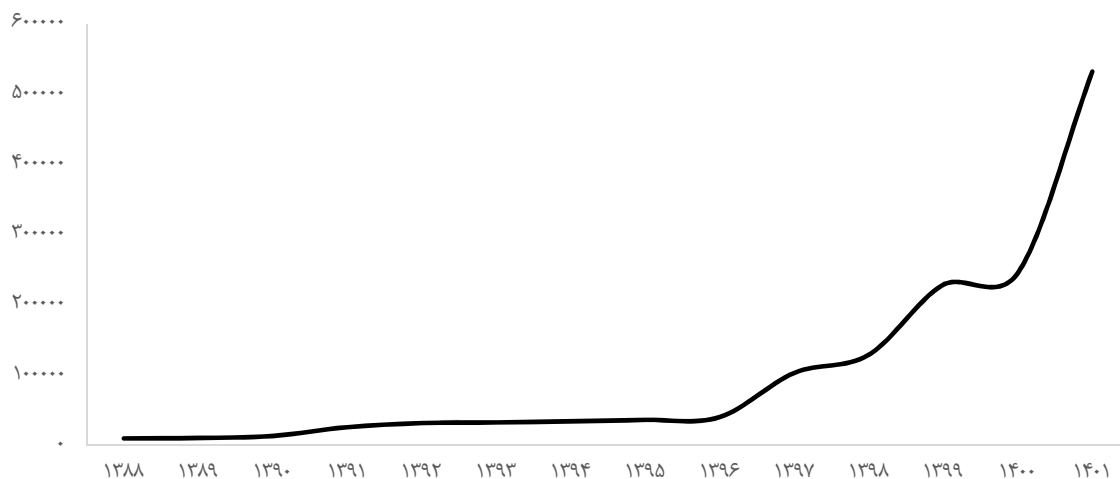
ساختار مطالعه حاضر بدین گونه است که در بخش نخست به تحلیل وضعیت موجود در اقتصاد پرداخته می‌شود؛ به طوری که ابتدا تغییرات نرخ ارز و تشریح نوسانات آن در بازار غیررسمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در ادامه، تحلیل وضعیت موجود اجزای بازار ارز (منابع و مصارف ارزی در اقتصاد ایران) که متشکل از صادرات کالایی بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، صادرات خدمات مسافرتی و حمل‌ونقل، واردات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای و واردات خدمات مسافرتی و حمل‌ونقل است، انجام می‌شود.

## 1- تحلیل وضعیت موجود

نوسانات و جهش نرخ ارز یکی از مسائلی است که در دهه اخیر، اقتصاد ایران را با چالش‌های فراوانی مواجه کرده است؛ به طوری که نخستین جهش ارزی در این دهه مربوط به سال‌های 1390 تا 1391 است که در این سال‌ها به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، درآمد ارزی کشور کاهش یافت و بازار ارز شاهد



نمودار ۱- بررسی روند نرخ ارز (ریال)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۲

جدول ۱- وضعیت بازار ارز در دوره‌های مختلف زمانی

سال	وضعیت بازار ارز	علت
۱۳۵۲-۱۳۵۶	مازاد ارز	افزایش شدید درآمدهای نفتی و عدم جذب آن از طریق واردات
۱۳۵۷-۱۳۶۸	کمبود ارز	شروع اعتصابات در صنعت نفت و حوادث پیروزی انقلاب اسلامی و بروز جنگ تحمیلی
۱۳۶۸-۱۳۷۹	کمبود منابع ارزی با وجود استقراض از خارج و ورود ارزهای مربوط به آن	به‌گونه‌ای که دولت در سال ۱۳۷۲، اقدام به ایجاد نظام شناور مدیریت شده کرد که این نظام حتی برای یک روز هم دوام نیاورد. کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۷۷ و مواجهه دولت با کمبود شدید ارز
۱۳۷۹-۱۳۹۰	مازاد ارز	افزایش عمده قیمت نفت
۱۳۹۰ تا اکنون	کمبود ارز	فشار تحریم‌ها و کاهش صادرات نفت و محدودیت در دسترسی به درآمدهای ارزی کشور. در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ هم به دلیل افت شدید قیمت نفت، اقتصاد با کمبود ارز مواجه بود

## ۲- مروری بر شناسایی بازیگران معاملات ارز و تحلیل وضعیت منابع و مصارف ارزی کشور در سه دهه اخیر

برای تحلیل و بررسی وضعیت بازار ارز در اقتصاد ایران و به‌ویژه مدیریت ارز در شرایط کنونی اقتصاد (کاهش نوسانات و بی‌ثباتی‌های تحت تأثیر آن)، ابتدا بازیگران معاملات ارز و ساختار این بازار مورد

در جدول شماره ۱ نیز وضعیت بازار ارز در دوره‌های مختلف زمانی به‌طور مختصر بررسی شده است.

ورود ارز در پورتفوها و تقاضای سفته‌بازی ارز نیز کشش یادشده را محدودتر کرده و مانع هرگونه اقدام اصلاحی در بخش حقیقی و ساختاری است.

از کشور خارج نمی‌کنند و احتمالاً دوباره در نقش دارند، آن را در داخل کشور می‌فروشند. معمولاً جابه‌جایی ارز میان دارندگان و مشتریان از طریق واسطه‌ها صورت می‌گیرد. واسطه‌ها شامل بانک‌ها، صرافی‌های مجاز و دلالتان غیرمجاز می‌شود. بازیگران جریان ارزی کشور را می‌توان به شکل دیگری نیز دسته‌بندی کرد. فعالیت اصلی برخی از این بازیگران در حقیقت، در تجارت (یا بازار کالا و خدمات) است، اما به‌عنوان عرضه‌کننده یا متقاضی به بازار ارز نیز مراجعه می‌کنند. صادرکنندگان، واردکنندگان و مسافران در این دسته قرار می‌گیرند. برخی از این‌ها در بازار رسمی تجارت و برخی دیگر در بازار غیررسمی تجارت (قاچاق کالا) فعالیت دارند. برخلاف این بازیگران جریان ارزی، برای دسته‌ای دیگر، فعالیت در بازار ارز فعالیت اصلی شمرده می‌شود. همه واسطه‌ها و سفته‌بازها در این دسته قرار می‌گیرند. بانک‌ها، صرافی‌های مجاز و گروهی از سفته‌بازان در بازار رسمی ارز و دلالتان غیرمجاز و دیگر سفته‌بازها در بازار غیررسمی فعالیت می‌کنند.

فعالیت‌های سوداگرانه هیچ ربطی به عوامل بنیادی تعیین‌کننده ارز ندارد، اما در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر چنان شرایطی را ایجاد کرده که به‌طور منفرد تعیین‌کننده نرخ ارز در اقتصاد بوده است.

تحلیل قرار گرفته است و در ادامه، موضوع منابع و مصارف ارزی کشور و تحلیل روند آن در اقتصاد شناسایی و تشریح می‌شود.

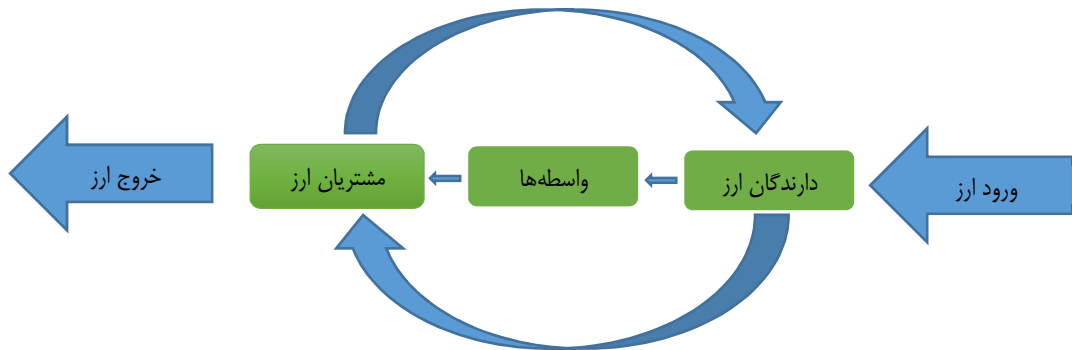
## ۲-۱- معاملات ارز

اشراف متولی مدیریت بازار ارز (که در کشور ما بر اساس قانون پولی و بانکی، بانک مرکزی است) بر جریان ارز، نقشی تعیین‌کننده در کارایی مدیریت بازار ارز دارد. همان‌طور که از تعریف ارز مشخص است<sup>۱</sup>، ارزهای خارجی نمی‌تواند در یک کشور تولید شود، بلکه از طریق مبادلات پولی هر کشور با دیگر کشورها به دست می‌آید. همان‌طور که در شکل شماره ۱ نیز نشان داده شده است، موجودی ارزی کشور با ورود ارز از طریق مبادلات خارجی گروهی از افراد که ما آن‌ها را «دارندگان ارز» می‌نامیم، افزایش می‌یابد. صادرکنندگان (رسمی و غیررسمی)، سرمایه‌گذاران دارای ارز (مانند سرمایه‌گذاران خارجی، سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور که می‌خواهند سود خود را برگردانند و...)، مسافران خارجی و سفته‌بازان مهم‌ترین دارندگان ارز هستند؛

البته دسته آخر یعنی سفته‌بازان ارز به سمت دیگر جریان ارزی، «مشتریان ارز» هستند که با خرید و مصرف ارز در مبادلات خارجی، موجودی ارز را کم می‌کنند. واردکنندگان (رسمی و غیررسمی)، سرمایه‌گذاران متقاضی ارز، مسافران به خارج از کشور و سفته‌بازان ارز مهم‌ترین گروه‌های مشتری ارز هستند. در این سمت نیز سفته‌بازان ارز لزوماً ارز را

۱. ارز یا پول خارجی، ابزار مبادلات بین‌المللی برای پرداخت است که به‌صورت اسکناس، حواله، پول الکترونیکی و... است. ارزهای مختلف با نرخ‌های مشخص به یکدیگر تبدیل می‌شوند.

شکل ۱- شمای کلی بازار ارز



بازار ارز را تخریب می‌کند. تزریق حجم بالای نقدینگی توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی و حتی شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌های دولتی به بازار ارز و خرید و فروش سوداگرانه ارز توسط صرافی‌ها سبب تشدید این وضعیت می‌شود.

فعالیت‌های سوداگرانه هیچ ربطی به عوامل بنیادی تعیین‌کننده ارز ندارد، اما در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر چنان شرایطی را ایجاد کرده که به‌طور منفرد تعیین‌کننده نرخ ارز در اقتصاد بوده است. بنابراین، تا وقتی بازار عمیق در اقتصاد شکل نگرفته است، باید از فعالیت سوداگرانه روی ارز جلوگیری شود (شاکری، ۱۳۹۵).

**۲-۲- تحلیل وضعیت منابع و مصارف ارزی کشور**  
موضوع ارز در اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران بسیار پیچیده‌تر و مفصل‌تر از آن چیزی است که در کشورهای توسعه‌یافته درباره آن بحث می‌شود. در اقتصادهایی مانند ما، وضعیت عرضه و تقاضای ارز (به‌خصوص عرضه ارز) با حضور و نوسانات درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت، وضعیتی مبهم، نامشخص و ناپایدار دارد. از آنجاکه ارزهای پرنوسان نفتی در بودجه دولت وارد شده و بودجه را به خود وابسته کرده است، تولید کالاهای

در اقتصاد ایران، وضعیت کنونی بازار ارز به‌گونه‌ای است که در طرف عرضه بازار ارز، عوامل بنیادی مستقیم و غیرمستقیم (صادرات متنوع کالاهای فناورانه و کالاهای با ارزش افزوده بالا) تعیین‌کننده در بازار ارز چندان فعال نیستند و با هم تعامل درون‌زا و مکمل ندارند درحالی‌که تحقق بازار عمیق ارز مستلزم حضور عوامل بنیادی و مشارکت این عوامل در تعیین قیمت در این بازار است. غیبت عوامل بنیادی یادشده بدین معنی است که نرخ‌های ارزی که در سال‌های گذشته در اقتصاد شکل گرفته‌اند، نرخ‌های علامت‌دهنده صحیح نبوده‌اند. در طرف تقاضای ارز نیز تقاضا برای واردات، چه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و چه کالاهای مصرفی و چه خدمات مسافرتی، تا اندازه زیادی بی‌کشش است. ورود ارز در پورتفوها و تقاضای سفته‌بازی ارز نیز کشش یادشده را محدودتر کرده و مانع هرگونه اقدام اصلاحی در بخش حقیقی و ساختاری است؛ به‌گونه‌ای که به‌محض بروز کمبود ارز، هجوم فعالیت‌های سفته‌بازانه به این بازار و خرید سوداگرانه آغاز می‌شود. این وضعیت هم تلاش‌های صورت گرفته برای شکل‌گیری بازار ارز را ابتر می‌کند و هم عوامل بنیادی ضعیف شکل گرفته در

ایران هستند و مدیریت بازار ارز و ارائه راهکارهای مؤثر در این باره منوط به بررسی وضعیت منابع و مصارف ارز و تحلیل روند آن است.

جدول‌های شماره ۲ و ۳ به ترتیب میزان کل منابع و مصارف ارزی کشور و به تفکیک اجزا را در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ براساس آخرین آمارهای در دسترس نشان می‌دهد.

صنعتی، کشاورزی و حتی خدمات هم از مجرای نیاز وارداتی کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه، به درآمدهای ارزی نفتی وابسته شده است. قابلیت دسترسی و قیمت کالاهای اساسی مصرفی و دارویی هم به‌خاطر کشتش‌ناپذیری واردات در این عرصه، به ارز و قیمت آن وابسته است. مصارف ارزی نیز به لحاظ خروج سرمایه و واردات غیررسمی دارای شرایط خاصی در اقتصاد

جدول ۲- کل منابع و مصارف عمده ارزی کشور در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ (میلیون دلار)

سال	کل منابع	کل مصارف	موازنه کل
۱۳۸۸	۱۰۶۴۸۲	۱۰۶۰۸۴	۳۹۸
۱۳۸۹	۱۳۰۷۲۷	۱۲۹۹۷۰	۷۵۷
۱۳۹۰	۱۵۷۵۴۰	۱۵۳۲۶۰	۴۲۸۰
۱۳۹۱	۱۱۰۹۸۷	۱۱۲۲۳۶	-۱۲۴۹
۱۳۹۲	۱۰۷۹۱۵	۱۱۰۴۶۲	-۲۵۴۷
۱۳۹۳	۱۰۴۷۷۷	۱۰۸۳۰۲	-۳۵۲۵
۱۳۹۴	۸۱۳۹۱	۸۱۸۳۳	-۴۳۲
۱۳۹۵	۹۹۸۳۴	۸۷۰۳۷	۱۲۷۹۷
۱۳۹۶	۱۱۲۲۳۵	۹۹۹۰۴	۱۲۳۳۱
۱۳۹۷	۱۰۸۴۷۵	۸۸۰۲۶	۲۰۴۴۹
۱۳۹۸	۷۷۴۱۹	۸۲۵۲۹	-۵۱۱۰
۱۳۹۹	۵۸۰۷۱	۶۵۹۰۴	-۷۸۳۳
۱۴۰۰	۹۰۲۰۶	۹۲۳۴۱	-۲۱۳۵

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۲.

دارای ویژگی چسبندگی بوده و به اندازه کمتری نسبت به کاهش منابع یادشده کاهش یافته است که این نشان از عدم مدیریت در میزان طرف تقاضای ارز در اقتصاد است. با کاهش درآمدهای ارزی، اقتصاد با یک کسری مواجه می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، زمانی که منابع ارزی ناشی از صادرات نفت در کشور افزایش یافته (که بالاترین میزان آن مربوط به سال ۱۳۹۰، حدود ۱۵۷۵۴۰ میلیون دلار بوده است)، مصارف ارزی نیز بالا بوده، اما با کاهش درآمدهای ارزی، مصارف ارزی



جدول ۳- منابع و مصارف ارزی کشور به تفکیک اجزا در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۲ (میلیون دلار)

سال	منابع ارزی				مصارف ارزی				
	صادرات				واردات				
	نفتی	کالایی	خدماتی	کل صادرات	ورود سرمایه	کالاها	خدمات	کل واردات	
۱۳۸۸	۶۶۱۹۰	۲۱۸۹۲	۹۸۶۵	۹۷۹۴۷	۸۵۳۵	۶۹۲۴۷	۱۹۵۶۹	۸۸۸۱۶	۱۷۲۶۸
۱۳۸۹	۸۶۱۹۳	۲۶۵۵۱	۱۰۸۰۴	۱۲۳۵۴۹	۷۱۷۸	۷۵۴۵۸	۲۰۷۶۵	۹۶۲۲۳	۳۳۷۴۷
۱۳۹۰	۱۱۲۶۲۳	۳۳۸۱۹	۱۰۵۷۴	۱۵۷۰۱۶	۵۲۴	۷۸۰۲۷	۲۰۲۵۲	۹۸۲۷۹	۵۴۹۸۱
۱۳۹۱	۶۳۱۷۴	۳۲۵۶۷	۱۱۵۹۵	۱۰۷۳۳۷	۳۶۵۰	۶۸۱۳۴	۱۷۳۰۶	۸۶۰۴۰	۲۶۱۹۶
۱۳۹۲	۵۸۱۳۲	۳۱۵۵۲	۱۲۵۸۳	۱۰۲۹۶۷	۴۹۴۸	۶۳۵۸۴	۱۷۳۷۰	۸۰۹۵۴	۲۹۵۰۸
۱۳۹۳	۴۸۷۷۴	۳۶۵۵۵	۱۴۰۵۰	۹۹۳۷۹	۵۳۹۸	۷۰۹۱۵	۱۹۰۸۳	۸۹۹۹۸	۱۸۳۰۴
۱۳۹۴	۲۶۹۴۹	۳۵۶۰۹	۱۳۰۳۱	۷۵۵۸۹	۵۸۰۲	۵۷۶۴۱	۱۷۵۷۵	۷۵۲۱۶	۶۶۰۷
۱۳۹۵	۵۰۲۴۰	۳۶۷۷۲	۱۲۸۲۲	۹۹۸۳۴	-	۶۳۴۴۵	۱۸۶۴۰	۸۰۷۴۴	۶۲۹۳
۱۳۹۶	۵۹۷۶۳	۳۹۹۱۹	۱۲۵۵۳	۱۱۲۲۳۵	-	۷۳۸۴۰	۲۰۵۴۲	۹۴۳۸۲	۵۵۲۲
۱۳۹۷	۵۴۱۳۹	۳۹۵۸۰	۱۴۷۵۶	۱۰۸۴۷۵	-	۶۱۸۴۷	۲۰۱۶۰	۸۲۰۰۷	۶۰۱۹
۱۳۹۸	۲۲۳۶۴	۴۱۴۲۳	۱۳۶۳۲	۷۷۴۱۹	-	۵۸۰۹۰	۱۸۱۲۱	۷۶۲۱۱	۳۶۵
۱۳۹۹	۱۷۸۵۰	۳۴۸۶۰	۵۳۶۱	۵۸۰۷۱	-	۴۶۶۱۲	۹۹۵۹	۵۶۵۷۱	۶۳۱۸
۱۴۰۰	۳۳۹۷۳	۴۰۷۴۸	۷۷۹۳	۹۰۲۰۶	-	۶۳۶۲۵	۱۳۶۴۷	۷۷۲۷۲	۹۳۳۳
۱۴۰۱	۵۵۴۱۰	۴۲۲۴۶	۹۹۰۲	۱۰۷۵۵۸	-	۷۵۴۰۹	۱۶۵۹۳	۹۲۰۰۲	۱۵۰۶۹
۱۴۰۲:۱	۱۳۶۲۶	۹۹۲۶	۲۲۶۳	۲۵۸۱۵	-	۱۷۳۳۸	۴۰۴۳	۲۱۳۸۱	۹۳۵۴

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲.

۵۷۹۳۴ میلیون دلار بوده است. این رقم برای صادرات کالا، ۳۵۳۴۵، برای صادرات خدمات، ۱۱۹۴۹ و برای ورود سرمایه نیز به‌طور متوسط تا سال ۱۳۹۵ بر اساس آخرین داده‌های در دسترس، ۴۳۱۹ میلیون دلار بوده است. همچنین، شواهد موجود حاکی است که در دهه ۱۳۹۰، درآمدهای ارزی که عمده آن ناشی از صادرات نفت است، به‌شدت کاهش یافته و در سال ۱۳۹۹ به کمترین میزان آن در ۱۲ سال اخیر یعنی حدود ۵۸۰۷۱ میلیون دلار رسیده است. در قسمت مصارف ارزی نیز ملاحظه می‌شود، واردات کالا بیشترین ارز مصرفی را در طول دوره مورد بررسی در مقایسه با اجزای دیگر به خود اختصاص داده است. در ادامه، منابع و

مطابق با جدول شماره ۳، منابع ارزی کشور شامل صادرات نفت و گاز، صادرات کالاهای غیرنفتی، صادرات خدمات و انتقالات ارزی از خارج به داخل (ناشی از عوامل سرمایه، نیروی کار و ورود سرمایه) است. همچنین، مصارف ارزی عمده نیز واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی، واردات خدمات و انتقالات ارزی از داخل به خارج (ناشی از عوامل سرمایه و نیروی کار خارجی در داخل کشور، خروج سرمایه از کشور و...) است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بخش عمده منابع ارزی کشور حاصل درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت بوده؛ به‌طوری‌که متوسط درآمد ارزی سالانه صادرات نفت در دوره مورد بررسی حدود

ناحیه یک عضو پیوندی برونزا به نام نفت انجام می‌شود و سازگاری چندانی با وضعیت عوامل بنیادی عرضه ارز که در اقتصادهای متعارف فعال هستند، ندارد؛ یعنی عرضه ارز تابعی از قیمت نفت، مقدار صادرات آن و میزان دستیابی به درآمدهای نفتی است. این اشارات بسیار مهمی برای نرخ ارزی که با وضعیت درآمد نفت تعیین می‌شود، دارد.

مصارف ارزی کشور به تفکیک اجزا با توجه به آخرین داده‌های در دسترس مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۳- منابع ارزی به تفکیک اجزا

- صادرات نفت: بخش اعظم منابع ارزی کشور را درآمدهای حاصل از صادرات نفت تشکیل می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عرضه ارز عمدتاً از

جدول ۴- سهم صادرات نفت و گاز از کل صادرات در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ (میلیون دلار- درصد)

سال	کل صادرات	صادرات نفت و گاز	سهم صادرات نفت و گاز
۱۳۸۸	۸۸۳۲۶	۶۹۹۵۷	۷۹/۲
۱۳۸۹	۱۱۲۷۸۸	۹۰۱۹۱	۷۹/۹۷
۱۳۹۰	۱۴۵۸۰۶	۱۱۹۱۴۸	۸۱/۷۲
۱۳۹۱	۹۷۲۷۱	۶۸۰۵۸	۶۹/۹۷
۱۳۹۲	۹۳۱۲۴	۶۴۸۸۲	۶۹/۶۷
۱۳۹۳	۸۶۴۷۱	۵۵۳۵۲	۶۴/۰۱
۱۳۹۴	۳۳۵۶۹	۶۴۵۹۷	۵۱/۹۶
۱۳۹۵	۵۵۷۵۲	۸۳۹۷۸	۶۶/۳۸
۱۳۹۶	۶۵۸۱۸	۹۸۱۴۳	۶۷/۰۶
۱۳۹۷	۶۰۷۳۵	۹۳۳۹۰	۶۵/۰۳
۱۳۹۸	۲۹۰۱۶	۵۹۳۹۱	۴۸/۸۵
۱۳۹۹	۲۱۰۴۳	۴۹۸۴۸	۴۲/۲۱
۱۴۰۰	۳۸۷۲۳	۷۹۴۷۰	۴۸/۷۲

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲.

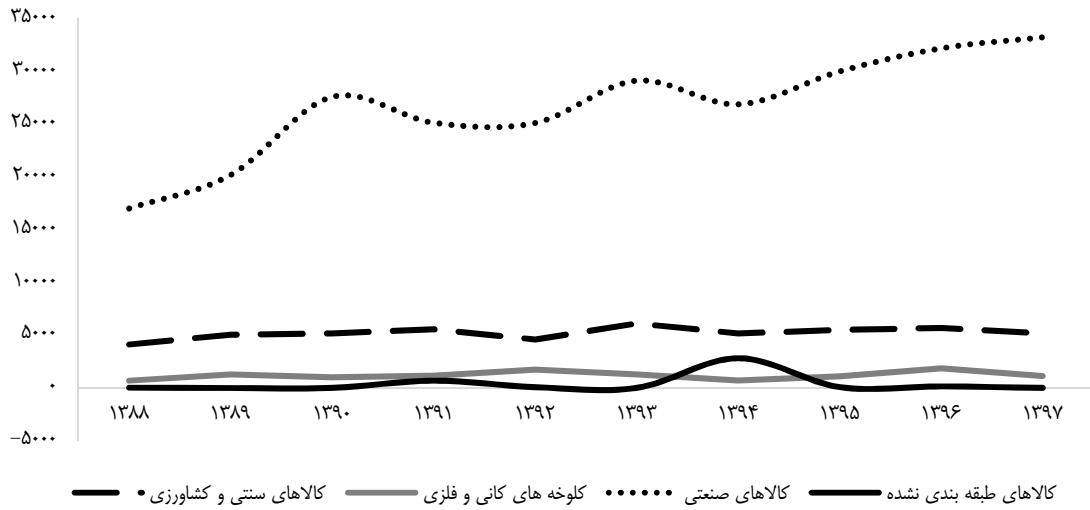
است). بر اساس این نمودار، تقریباً ۷۸ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی در بخش صنعت صورت می‌گیرد. صادرات بخش کشاورزی و دیگر کالاهای طبقه‌بندی نشده نیز به ترتیب حدود ۱۸ و یک درصد کل صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، کالاهای صنعتی بیشترین سهم را در صادرات کالاهای غیرنفتی به خود اختصاص داده‌اند. صادرات بخش کشاورزی نیز در رتبه ۲ صادرات کالاهای غیرنفتی قرار دارد.

- صادرات کالا: نمودار شماره ۲ اجزای صادرات کالایی (کالاهای سستی و کشاورزی، کلوخه‌های کانی و فلزی، کالاهای صنعتی و کالاهای طبقه‌بندی نشده) را برای دوره مورد مطالعه بر اساس آخرین داده‌های در دسترس و انتشاریافته نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در بخش صادرات غیرنفتی شواهد موجود نشان می‌دهد فاصله صادرات کالاهای تولیدی بخش صنعت با بخش‌های دیگر بسیار زیاد است (البته به لحاظ میزان مطلق، عدد آن ناچیز





نمودار ۲- روند صادرات کالاهای غیرنفتی در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)

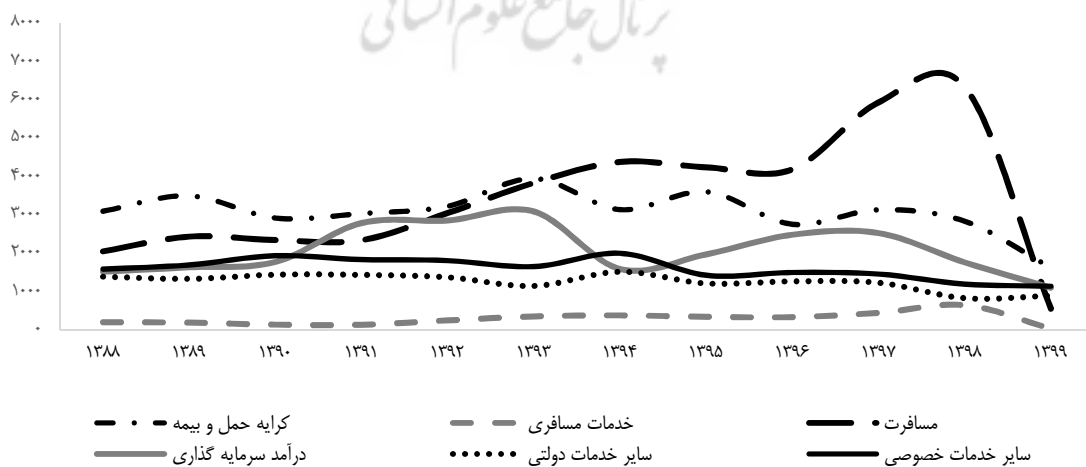


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۲

صادرات خدمات (طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۹ براساس آخرین آمار در دسترس) به تفکیک نشان می‌دهد که به‌ویژه در سه جزء اصلی یعنی خدمات کرایه حمل و بیمه، مسافرت و درآمد سرمایه‌گذاری بیشترین نوسانات وجود دارد و درعین حال، بیشترین صادرات بخش خدمات به این زیربخش‌ها تعلق دارد.

- درباره صادرات خدمات به‌رغم روند نسبتاً ثابت آن تا سال ۱۳۹۷، پس از آن کاهش یافته و در سال ۱۳۹۹، به کمترین میزان در سال‌های مورد بررسی، حدود ۵۳۶۱ میلیون دلار رسیده است (جدول شماره ۳). نمودار شماره ۳ نوسانات عمده در میان اجزای صادرات فوق را به‌خوبی نشان می‌دهد. تحلیل روند تغییرات اجزای

نمودار ۳- روند اجزای صادرات خدمات در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۲

همان‌طور که از نمودار بالا ملاحظه می‌شود، به‌طورکلی، زیربخش‌های خدمات مسافری، سایر خدمات دولتی و سایر خدمات خصوصی دارای روند مشابهی از نظر درآمد ارزی کسب‌شده هستند (البته با نرخ رشد ملایم‌تری نسبت به زیربخش مسافرت). همچنین، کمترین سهم را در منابع ارزی صادرات، خدمات در دوره مورد مطالعه دارند. شواهد موجود نشان می‌دهد ارزآوری بخش مسافرت از سال 1392 به بعد نسبت به دیگر بخش‌ها افزایش یافته و نقش مهم‌تری را در این حوزه برای کسب منابع ارزی ایفا کرده است، اما از

سال 1397 به بعد، منابع ارزی حاصل از این زیربخش و دیگر بخش‌ها با آغاز روند صعودی نرخ ارز، کاهش یافته است و افت محسوسی در آن مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که در سال 1399، میزان منابع ارزی مسافرت به کمترین میزان خود در دهه اخیر رسیده و جزو زیربخش‌های ارزآور پایین در این سال شمرده شده، اما شدت رشد این منبع در سال‌های پیش، بیشترین درآمد ارزی را در میان بخش‌های یادشده داشته است. نمودار شماره 4 متوسط سهم هرکدام از اجزای بخش صادرات خدمات را در دوره مورد بررسی نشان می‌دهد.

نمودار 4- متوسط سهم هریک از اجزای صادرات خدمات در دوره مورد بررسی (درصد)



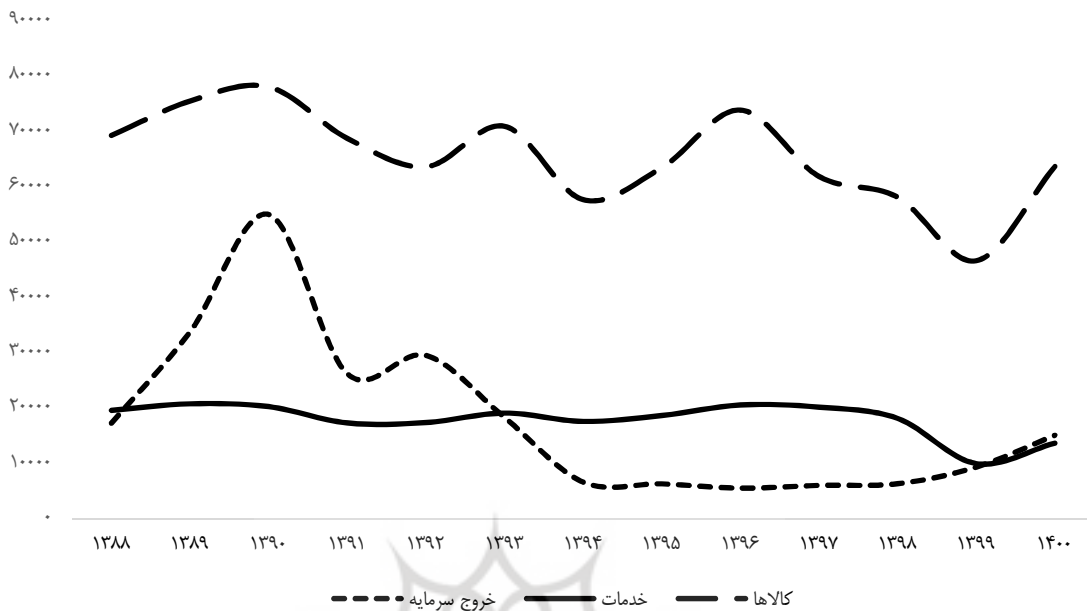
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 1402.

## 2-4- مصارف ارزی به تفکیک اجزا

مصارف ارزی مورد بررسی مطالعه حاضر، واردات کالا، واردات خدمات و انتقالات ارزی از داخل به خارج (ناشی از عوامل سرمایه و نیروی کار خارجی‌ان در داخل کشور، خروج سرمایه کشور و...) است. نمودار شماره 5 روند مربوط به هریک از مصارف یادشده را نشان می‌دهد.

- ورود سرمایه: بر اساس آخرین آمارهای در دسترس، تا سال 1394، ورود سرمایه در طول دوره تقریباً دارای روند ثابتی بوده و تنها از سال‌های 1391 تا 1394، مقدار آن به‌طور عمده‌ای افزایش یافته و از 524 میلیون دلار، به 5802 میلیون دلار در سال 1394 رسیده است. دلیل این افزایش، می‌تواند تغییر سیاست‌های خارجی و فضای سیاسی کشور و شروع مذاکرات هسته‌ای از اوایل سال 1392 باشد.

نمودار ۵- اجزای مصارف ارزی کشور در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲.

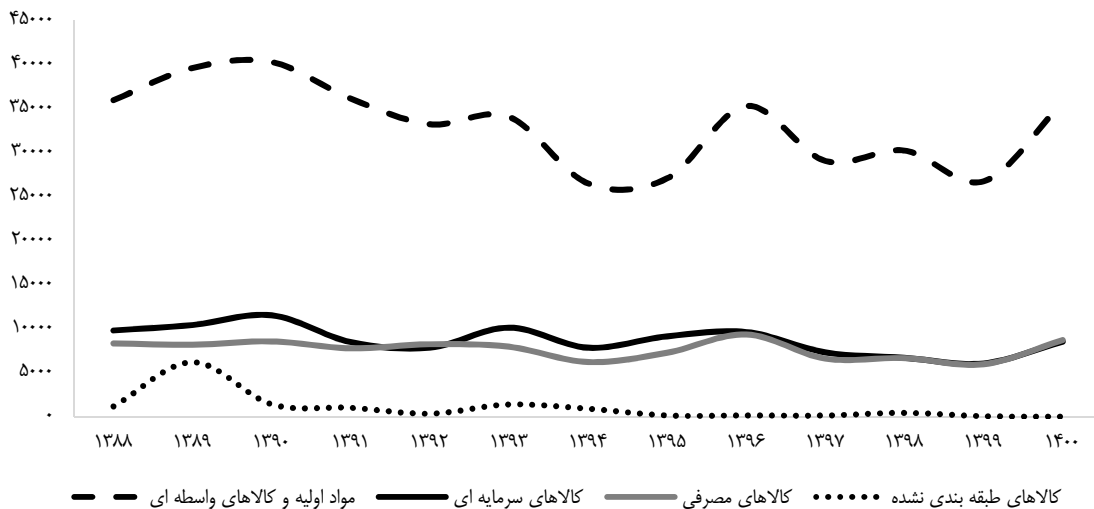
روند و سهم هریک از آن‌ها در واردات کل کالایی و مصارف ارزی بررسی می‌شود. پس از آن، اجزای واردات خدمات و جزء خروج سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

– روند تغییرات اجزای واردات کالایی: بر اساس نمودار شماره ۶، میزان ارز مصرفی برای واردات کالاهای اولیه و واسطه‌ای در مقایسه با دیگر کالاها بسیار بیشتر است و سهم عمده واردات کالایی به این نوع واردات اختصاص دارد. همچنین، روند آن نوسانات شدیدتری نسبت به دیگر اجزا (کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و کالاهای طبقه‌بندی نشده) دارد؛ البته واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی ضمن اینکه همواره دارای ارزش کمتری نسبت به واردات کالاهای واسطه‌ای است، از روند نسبتاً باثباتی نیز برخوردار است.

همان‌طور که در نمودار بالا ملاحظه می‌شود، واردات کالاها (واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی) بیشترین ارز مصرفی را در طول دوره مورد بررسی داشته است که سهم زیادی در مقایسه با اجزای دیگر دارد. در اینجا واردات خدمات تا سال ۱۳۹۸، از روند ثابتی در دوره برخوردار بوده و در سال ۱۳۹۹، روند کاهشی داشته و در سال ۱۴۰۰، میزان آن افزایش یافته است. در این بین، جزء خروج سرمایه نوسان بیشتری هم در خود مقادیر و هم در سهم مصرف ارزی نسبت به دو جزء دیگر دارد و به‌رغم روند کاهشی و نوسان کم آن در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷، از آن پس، سهم مربوط به خروج سرمایه افزایش یافته است.

در ادامه، ابتدا اجزای واردات کالاها به تفکیک واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی و

نمودار ۶- روند تغییرات اجزای واردات کالایی در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲.

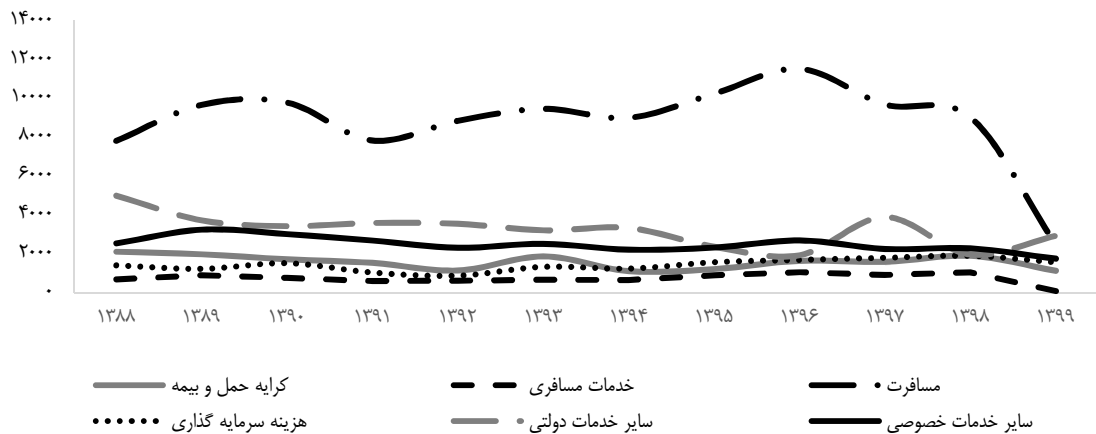
خدمات است. در بررسی روند تغییرات اجزای واردات خدمات مشاهده می‌شود که تقاضای ارز در بخش مسافرت در بیشتر سال‌ها بخش زیادی از مصارف ارزی بخش خدمات را در طول دوره تشکیل می‌دهد. این در حالی است که اجزای دیگر از جمله واردات حمل و بیمه، سایر خدمات دولتی و هزینه سرمایه‌گذاری و سایر اجزا سهم کمتری در تقاضای واردات داشته‌اند. این سهم برای خدمات بالا از سال ۱۳۹۶ کاهش یافته و در سال ۱۳۹۹ به کمترین میزان در دهه اخیر رسیده است.

وقتی عمده صادرات کشور به محصولات سنتی، محصولات خام و میعانات گازی و کلوخه‌های فلزی محدود باشد، با افزایش نرخ ارز نمی‌توان انتظار ارتقای صادرات را داشت.

نکته اصلی این است که با وجود روند نوسانی و کاهشی واردات کالاهای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای در دهه ۱۳۹۰، سهم آن در مقایسه با سهم مربوط به کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای شایان مقایسه نبوده و میزان بالایی داشته است. به عبارتی، با وجود اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه علیه کشور که با کاهش واردات کالایی همراه بوده است، سهم واردات کالاهای واسطه‌ای همچنان در سطح بالا قرار داشته و بخش عمده‌ای از مصارف ارزی در این بخش هزینه شده است. در این دوره، کاهش منابع ارزی به‌ویژه از ناحیه کاهش درآمدها نفتی اتفاق افتاده است، اما سهم مصارف ارزی واردات کالاهای واسطه‌ای به همان نسبت سال‌های پیش حفظ شده و تغییر چندانی نکرده است. در واقع، شواهد موجود حاکی از چسبندگی کل مصارف ارزی در مقابل کاهش منابع ارزی است.

- واردات خدمات: یکی دیگر از اجزای طرف تقاضای ارز مربوط به مصارف ارزی کشور، واردات

نمودار ۷- روند تغییرات اجزای واردات خدمات در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۲.

تقاضای ارز در مقابل این کاهش مقاومت کرده و در برخی موارد واردات کالاهای واسطه‌ای افزایش یافته است. این موضوع به‌طور عمده‌ای کسری تراز پرداخت‌ها و ایجاد عدم تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی را منجر می‌شود. جالب این است که آثار تحلیلی و سیاستی بسیار مفیدی بر این نکته مبتنی می‌شود.

اساساً مجرای عرضه ارز در بازار ارز هر کشور صادرات آن و جریان ورود سرمایه است. اگر در گذشته عرضه نفت توسط صادرکنندگانی مانند ایران کشتش‌پذیری بالایی داشت و تقاضای آن توسط خارجی‌ها کم‌کشتش بوده، امروزه به‌خاطر وابستگی تولیدی، مصرفی و بودجه‌ای کشور به درآمدهای نفت، عرضه نفت بی‌کشتش شده و تقاضای آن به‌خاطر کشف منابع جدید نفتی در آمریکا و جایگزینی‌های انجام‌شده (و همچنین، تحریم‌های اعمالی از سوی کشورهای غربی) پرکشتش شده است. این نشان می‌دهد که ما در صادرات تک‌محصولی نفت هم وضعیت مناسبی نداریم. درباره صادرات غیرنفتی نیز عرضه محصولات صادرات ایران به لحاظ فناوری و کیفیت و حتی کمیت بی‌کشتش

**خروج سرمایه:** جزء خروج سرمایه نوسان بیشتری هم در خود مقادیر و هم در سهم مصرف ارزی نسبت به دو جزء دیگر دارد و از سال ۱۳۹۸ به بعد، روند سهم مربوط به خروج سرمایه از مصارف ارزی کشور افزایش یافته است (نمودار شماره ۷). خروج سرمایه پدیده‌ای اقتصادی-اجتماعی است که علل متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها پیش‌بینی‌ناپذیر بودن وضعیت سیاسی و اقتصادی، خلأهای موجود در سیاست عمومی کشور در حمایت از سرمایه، موانع کسب‌وکار و دشوار بودن آغاز و ادامه فعالیت اقتصادی، ریسک بالای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری و خرید دارایی در خارج از کشور مانند خرید مسکن، سرمایه‌گذاری در قالب احداث شرکت یا خرید دارایی مالی (اوراق بهادار، سپرده بانکی یا رمزارزها) است.

بر اساس مشاهدات ارائه‌شده تا اینجا ملاحظه شد که با افزایش منابع ارزی به‌ویژه درآمد حاصل از صادرات نفت، اغلب اجزای مصارف ارزی نیز روند افزایشی به خود می‌گیرند، اما هنگام کاهش درآمدهای ارزی به دلیل ویژگی چسبندگی مصارف ارزی، اغلب اجزای اصلی

بخشی از واردات ما، کالاهای اساسی، دارو و کالاهای پزشکی است که مقدار آن زیاد و همیشه سعی شده است که نرخ‌های پایین ارز برای آن‌ها در نظر گرفته شود تا رفاه مردم را به‌طور شدید کاهش ندهد. در دوره‌های اخیر نیز شاهدیم که با کمبود منابع ارزی و افزایش نرخ ارز چگونه قیمت این نوع کالاها بی‌ثبات شده است.

### ۳- تحلیل مسئله از نظر امنیت اقتصادی

در اقتصاد ایران، صادرات نفتی به‌عنوان مهم‌ترین بخش صادرات، اصلی‌ترین منبع کسب درآمدهای ارزی است. در واقع، درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت وضعیت عرضه ارز را مشخص می‌کند و از آنجاکه تراز تجاری غیرنفتی کشور عموماً منفی است، نشان‌دهنده عدم رقابت‌پذیری کالاهای تولید داخل و ضعف در تولید داخل است. بنابراین، هرگونه کاهش درآمدهای ارزی کشور به دلیل نااطمینانی و بی‌ثباتی‌ای که در فضای اقتصاد جامعه ایجاد می‌کند، موجب هجوم فعالیت‌های سوداگرانه به بازار ارز می‌شود و جهشی بزرگ را در نرخ ارز ایجاد می‌کند. در واقع، اگر مدیریت و نظارت‌های دقیق اعمال نشود، شرایط ارزی اقتصاد کشور دستخوش بی‌ثباتی می‌شود.

برای مثال، در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۳، ۱۳۹۱-۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ به بعد، سیاست تعدیل ساختاری، تحریم و کاهش درآمدهای نفتی و به‌تبع آن، کمبود درآمدهای ارزی و قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه گروه اقدام ویژه مالی<sup>۱</sup> از جمله عوامل جهش ارزی در اقتصاد ایران بوده‌اند. بنابراین، تا هنگامی که فضای نااطمینانی،

است و تقاضای خارجی برای آن به‌خاطر وجود جانشین‌ها و عرضه کالاهای رقیب، کاملاً پرکشش است. در یک وضعیت، صادرات می‌تواند شامل کالاهای سنتی، محصولات کشاورزی و کالاهای با ارزش افزوده پایین و خام باشد و در وضعیت مقابل می‌تواند شامل کالاهای با ارزش افزوده بالای کشاورزی و صنعتی، کالاهای با فناوری بالا و پرطرفدار باشد. در وضعیت نخست، کسب عرضه صادرات محدود است، اما در حالت دوم، صادرات تجلی پویایی و بالندگی اقتصاد است و حالت خودتقویت‌کننده و خودتعدیل‌شونده دارد. در چنین وضعیتی، طبیعتاً عرضه صادرات پرکشش است و نسبت به علامت‌دهی قیمت‌ها عکس‌العمل سریع و قطعی نشان می‌دهد. این در حالی است که صادرات با فناوری بالا در اقتصاد ما تقریباً موضوعیت ندارد. بنابراین، وقتی عمده صادرات کشور به محصولات سنتی، محصولات خام و میعانات گازی و کلوخه‌های فلزی محدود باشد، با افزایش نرخ ارز نمی‌توان انتظار ارتقای صادرات را داشت (شاکری، ۱۳۹۵).

به‌طور مسلم واکنش واردات به تغییرات نرخ ارز به کسب واردات بستگی دارد. در اقتصاد ایران در قلمرو تولید از تولیدات صنعتی گرفته تا تولید روغن نباتی و دام و طیور به‌شدت به واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه وابسته است. از این‌رو با افزایش نرخ ارز و کمبود درآمدهای ارزی، واردات در این حوزه در صورتی کاهش می‌یابد که کاهش تولید داخلی که به واردات وابسته است و رکود بیشتر داخلی که پیامد این موضوع است نیز پذیرفته شود.

1. FATF

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

در مطالعه حاضر، ابتدا تحلیل وضعیت موجود در بازار ارز و روند تغییرات هریک از اجزای مربوط به منابع و مصارف ارزی ارائه و ملاحظه شد که بخش عمده‌ای از طرف عرضه ارز (منابع ارزی) را درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، گاز و میعانات گازی تشکیل می‌دهد اما طرف تقاضای ارز (مصارف ارزی) در مقایسه با عرضه آن، از تنوع بیشتری برخوردار بوده و از اجزای مختلفی تشکیل شده است؛ به‌گونه‌ای که در طرف تقاضای ارز، واردات کالاها به‌ویژه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای بیشترین ارز مصرفی را در طول دوره مورد بررسی داشته و خروج سرمایه در کشور به‌خصوص از سال ۱۳۹۷ به بعد، رتبه ۲ مصارف ارزی را به خود اختصاص داده است. در این بین، بخش واردات خدمات از مصارف کل ارزی در دوره مورد مطالعه در مقایسه با دو بخش دیگر واردات کالایی و خروج سرمایه، دارای نوسان کمتری بوده است.

نکته شایان توجه اینکه در سال‌هایی که منابع ارزی کشور به‌ویژه از ناحیه کاهش درآمدهای نفتی کاهش یافته، مصارف ارزی به همان نسبت سال‌های پیش حفظ شده و تغییر چندانی نکرده است. در واقع، شواهد موجود حاکی از چسبندگی کل مصارف ارزی در مقابل کاهش منابع ارزی است. در این شرایط، در صورتی که مدیریت و نظارت‌های دقیق بر طرف‌های عرضه و تقاضای ارز صورت نپذیرد، شرایط ارزی اقتصادی کشور دستخوش بی‌ثباتی می‌شود؛ همان‌گونه که شواهد تجربی سال ۱۳۹۷، به‌خوبی گواه آن است. بدون شک مدیریت مصارف ارزی کشور با در نظر گرفتن کاهش

بی‌ثباتی و عدم مشخص بودن آینده اقتصادی در کشور وجود داشته باشد، جهش‌های ارزی از ناحیه افزایش هزینه‌های تولید به دلیل وابستگی تولید به کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و نیز شکل‌گیری انتظارات تورمی، سطح قیمت‌ها و تورم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط، روند قیمت‌های نسبی نیز بی‌ثبات می‌شوند و از سوی، ریسک سرمایه‌گذاری در تولید به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش سود و سلب توان برنامه‌ریزی سرمایه‌گذار، به‌شدت افزایش می‌یابد که موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری می‌شود. جهش‌های نرخ ارز افزون‌بر ایجاد بی‌ثباتی در فعالیت‌های اصلی و عمده اقتصادی، جامعه را در ابعاد اجتماعی نیز مانند کاهش اعتماد و افزایش فساد و... تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به‌طور اساسی، با کمبود در بازار ارز و متعاقباً افزایش مستمر نرخ ارز، صادرکننده تمایل دارد ارز خود را خارج از پیمان ارزی در بازار سیاه بفروشد. همچنین، واردکنندگان تمایل دارند بخشی از ارز اختصاص‌یافته به خود را در آن بازار عرضه کنند و سود ببرند. عوامل سوداگر حقیقی و فردی هم تمایل دارند ارز را خریداری کنند و گران‌تر بفروشند. در چنین، شرایطی مظنه فساد وجود دارد. اساساً اگر ما به روند رخدادهای گذشته نگاه اجمالی بیندازیم، ملاحظه می‌کنیم که با تغییر قیمت‌ها و بالا بردن آن‌ها به‌هیچ‌وجه نتوانستیم زمینه‌های گسترش فساد را محدود کنیم. بنابراین، باید همگام و هم‌راستا با مدیریت، نظارت شدید را هم اعمال کرد؛ زیرا فساد هم اقدامات اصلاحی را به ضد خودش تبدیل می‌کند و هم وضعیت اقتصاد را بدتر از پیش می‌سازد.

توجه به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهادهایی برای مدیریت بهتر منابع و مصارف ارزی، تسهیل و افزایش صادرات و تسهیل و کاهش واردات در شرایط تحریم به طور مختصر در قالب جدول ارائه می شود.

درآمدهای ارزی باید به گونه ای باشد که ارزش حاصل از صادرات برای تأمین کالاهای ضروری استفاده شود. در این زمینه نیاز است تا بانک مرکزی نیز تمام تلاش خود را به کار بندد تا با امکانات محدود خود بهترین تصمیمات را در این باره بگیرد. اکنون با

جدول 5- راهکارهای اجرایی مدیریت منابع و مصارف ارزی

ملاحظات	زمان بندی	دستگاه متولی	الزامات راهبردی	توصیه سیاستی
بر همین اساس کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات پزشکی و... زودتر از دیگر کالاها مدنظر قرار گیرد	کوتاه مدت و میان مدت	بانک مرکزی	ممنوعیت یا کاهش واردات کالاهای غیراساسی	اولویت بندی تخصیص ارز به کالاهای وارداتی
نظارت مداوم بر آن	کوتاه مدت و میان مدت	بانک مرکزی	حذف معافیت های صادراتی و اعمال جریمه ارزی در صورت عدم انطباق ارز ورودی به کشور با سند کشور مقصد صادرات	الزام به برگشت ارز تمام صادرکنندگان خرد و کلان بر اساس سند مقصد صادرات
الزام بانکها در اعطای تسهیلات با نرخ سود پایین نقش مهمی در کاهش هزینه های تولید خواهد داشت	کوتاه مدت و میان مدت	وزارت صمت و بانک مرکزی	تدوین قوانین و مقررات تجاری در راستای تسهیل صادرات	تولید کالاهای با استانداردهای کیفیتی بالا (و قابل رقابت با تولیدات بین المللی)
قطع وابستگی بودجه به نفت در فرایند زمانی معقول و منطقی	میان مدت (بازه 1 تا 4 سال)	سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی	نرخ تسعیر ارز توسط بانک مرکزی و به طور مستقل در چهارچوب سیاست های پولی تعیین شود	استقلال نرخ ارز از بودجه
ایجاد ثبات اقتصادی کلان و کنترل تورم و ایجاد جذابیت سرمایه گذاری در کشور	کوتاه مدت و میان مدت	بانک مرکزی، سازمان توسعه و تجارت، گمرک جمهوری اسلامی	تصویب قوانین و مقررات کنترلی شدید در مورد صرافی ها جهت محدودسازی انتقالات ارزی به خارج کشور - رصد جریان کالا، پول و ارز در کشور از سوی سامانه جامع تجارت و سامانه های نظارتی - کنترل کم اظهاری کالاهای صادراتی، مهار بیش اظهاری کالاهای وارداتی در کشور	جلوگیری از خروج سرمایه از کشور
جایگزینی واردات به طور مبنایی در کالاهای سرمایه ای و واسطه ای	میان مدت و بلندمدت	وزارت صمت	1- تدوین و اجرای راهبردهای مناسب صنعتی و 2- حمایت و فعال کردن صنایع پایین دست در بخش نفت و پتروشیمی (به طور مشروط و دقیق)	تدوین و اجرای راهبردهای تجاری
تعامل ضروری و مکمل میان بخش های خدمات و تولید	میان مدت و بلندمدت	وزارت صمت	روش های فنی مدرن تولید و تولید انبوه در همه کالاها و خدمات و حتی کشاورزی	اهتمام به تولید داخلی
سازمان دهی این شرکتها برای کاهش هزینه های مبادله	کوتاه مدت و میان مدت	بانک مرکزی	ارتقای نظارت عملیاتی بر فعالیت تراستی ها	تقویت ارتباط میان شرکت های تراستی و بانک مرکزی

- شاکری، عباس (1395). مقدمه ای بر اقتصاد ایران.

ایران، تهران: انتشارات رافع.

منابع - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

(https://www.cbi.ir) 1402.

